

اثر هرمنوتیک در کتاب و سنت

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال ۱۴۰۴، سال ششم، شماره ۲۵،
صفحات ۲۰-۱

مریم سپاسدار کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق دانشگاه یاسوج

چکیده

هرمنوتیک از جمله مسائلی است که امروزه در محافل کلامی، فقهی زیاد شنیده می‌شود این واژه در لغت به معنای تفسیر کردن یا ترجمه کردن و در اصطلاح به معنای علمی است که نظریه فهم را از جهت ارتباط آن با تفسیر، نشانه‌ها، مورد مطالعه قرار می‌دهد و به بررسی ماهیت عوامل و ضوابط فهم می‌پردازد یا به عبارتی به اصول و مبانی تفسیر کتاب مقدس اشاره دارد و اهمیتش تا آنجاست که ارسطو در کتاب ارغنون خود رساله‌ای را به این نام گماشته است و این امر ثابت شده است که علی‌رغم انتقادات وارد شده بر هرمنوتیک می‌توان از آن در فهم متون مقدس چون قرآن و کتب حدیثی کمک گرفت و یکی از انواع هرمنوتیک که بازتاب زیادی داشته است هرمنوتیک فلسفی است و یکی از بهترین روش‌های تفسیر قرآن روش تفسیر قرآن به قرن است که با مراجعه به آیات دیگری می‌توان به فهم کامل مفسرو مراد کامل خداوند رسید و بهترین روش برای دست‌یابی به تفسیر متن روش متن به متن است که اصحاب هرمنوتیک به سه روش متن محوری، مولف محوری، مفسر محوری را ارائه داد در این نوشتار قصد داریم که بررسی کنیم آیا هرمنوتیک در فهم کتاب و سنت موثر بوده است یا نه؟ اگر اثر گذاشته به چه شکل بوده است این نوشتار با کمک گرفتن از روش کتابخانه‌ای، سایت و مقالات مختلف بدست آمده است.

هرمنوتیک، تفسیر، کتب مقدس، سنت، متن

واژگان کلیدی:

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025, Sixth year, Issue 25

Pages 1-20

The Effect of Hermeneutics on the Book and Tradition

Maryam sepasdar

Master's degree in Jurisprudence and Fundamentals of Law, Yasuj University

Abstract

Hermeneutics is one of the issues that is often heard in theological and jurisprudential circles today. This word literally means to interpret or translate, and in the sense of a science that studies the theory of understanding in terms of its relationship with interpretation, signs, and examines the nature of the factors and criteria of understanding, or in other words, refers to the principles and foundations of biblical interpretation. Its importance is so great that Aristotle, in his book Organon, dedicated a treatise to this name. It has been proven that despite the criticisms made against hermeneutics, it can be used to help understand sacred texts such as the Quran and the books of hadith. One of the types of hermeneutics that has had a great impact is philosophical hermeneutics. One of the best methods of interpreting the Quran is the method of interpreting the Quran verse by verse, which by referring to other verses, one can reach a complete understanding of the interpreter and the complete intention of God. The best method for achieving textual interpretation is the text-to-text method, which hermeneutics adhere to in three methods: text-centric, author-centric, and interpreter-centric. In this article, we intend to examine whether Abba hermeneutics has been effective in understanding the book and tradition? If so, what kind of effect it has had. This article was obtained with the help of library methods, websites, and various articles.

Keywords: Hermeneutics, interpretation, scripture, tradition, text

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

این کلمه را در واژه هرمس جستجو کرده اند هرمس از خدایان یونان باستان است که الهه رمزها و واسطه میان خدایان و انسانها بشمار می‌رفته است. وی خالق سخن و مفسر مطالب خدایان برای مردم بوده است از اینجاست که واژه هرمنوتیک را وابسته به تفسیر و تاویل دانسته‌اند به عبارت دیگر هرمنوتیک را علم یا نظریه تفسیر دانسته‌اند.

برخی از محققین برای این واژه سه معنا ذکر کرده اند:

۱- بیان کردن کلمات با صدای بلند یا سخن گفتن

۲- توضیح دادن همچون تبیین یک موقعیت

۳- ترجمه کردن همچون ترجمه از زبان بیگانه

در بسیاری از متون قدیمی این واژه بکار رفته است (نصری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۹۷) در هر سه معنا یک امر مشهود است و آن حیثیت وساطتی است که در رسیدن به فهم در این کلمه ملحوظ است و از چنین وساطتی بشر را گریزی نیست چون ناشی از محدودیت‌های بشری است بشر در مواجهه با نصوص دینی و متون عرفی از همان ابتدا دو فعالیت را دنبال کرده است یکی تبیین معنا و دیگری کشف قواعدی که ما را به هدف برساند و مراد از فعالیت هرمنوتیکی همان فعالیت دوم است که در همه دورانها وجوامع بطور کم و بیش وجود داشته است (یوزف بلاشیر، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷).

این لفظ به صورت گوناگون در متون قدیمی بکار رفته است ارسطو نام یکی از رساله‌های منطقی خود را باری ارمیناس گذاشت که می‌توان ن را به رساله در باب تفسیر معنا کرد (ریخته گران، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۸) به تعبیر دیگر هرمنوتیک نام دانش یا فنی است که به مقوله فهم و تفسیر مربوط می‌شود

قبل از وارد شدن به بحث لازم است که درباره هرمنوتیک و قلمرو آن بحثی به میان آید کلمه هرمنوتیک در اصل یونانی است و از فعل یونانی مشتق شده است که به معنای تفسیر کردن می‌باشد. این کلمه در بسیاری از متون قدیمی و در برخی از آثار متفکران و اندیشمندان دنیای باستان دیده شده است و از قرن هفدهم شکل گرفته بویژه در تفسیر کتب مقدس رواج بسیاری داشته و امروزه رشته‌های مختلف علوم انسانی رادر بر می‌گیرد و به بیان دیگر تفسیر و تبیین مسائل مختلف علوم انسانی در حیطه این دانش قرار می‌گیرد. هرمنوتیک به سه گرایش عمده تقسیم می‌شود: هرمنوتیک خاص که برای هر یک از متون نیاز به تفسیر خاصی دارد ۲- هرمنوتیک عام که در آن از روش واحدی برای تفسیر استفاده می‌کردند که شلایرماخر و هرش از طرفداران ای نوع هرمنوتیک هستند ۳- هرمنوتیک فلسفی: که به تفکر در اصل پدیده فهم توجه دارد و هم چنین به همه معارف بشری توجه خاص دارد. هرچند که رواج لفظ هرمنوتیک از قرن هفدهم به بعد است اما سابقه تفسیر و تاویل به عهد باستان برمی‌گردد. هرمنوتیک در غرب به سه دوره اصلی تقسیم می‌شود که عبارتند از هرمنوتیک کلاسیک، هرمنوتیک رمانتیک، هرمنوتیک فلسفی که از پایگذاران آن می‌توان به گادامروهیدگر اشاره کرده آن را به انسجام رساندند.

معنای لغوی و اصطلاحی هرمنوتیک

کلمه هرمنوتیک در اصل یونانی است و از فعل یونانی هرمنیوین مشتق شده است که به معنای بیان کردن، تبیین کردن، ترجمه یا تفسیر کردن است صورت اسمی این واژه هرمنیا به معنای تفسیر و اغلب تفسیر متون مقدس است ریشه

هرمنوتیک را علم به قواعد رمزگشایی و تاویل متن تعریف کرده است (ازاد، ۱۳۹۳) و در جای دیگر آمده است هرمنوتیک علمی است که نظریه فهم را از جهت ارتباط آن با تفسیر نشانه‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهد و به بررسی ماهیت، اهداف، عوامل و ضوابط فهم می‌پردازد (عابدی سراسیا، ۱۳۹۵)

تاریخچه و قلمرو هرمنوتیک

دو واژه هرمنیوین و هرمنیا در برخی از آثار متفکران و نویسندگان دنیای باستان دیده می‌شود. این کلمات در تراژدی ادیبوس، آثار افلاطون و نویسندگانی چون گزنفون، پلوتارک، اورپیدس، اپیکور دیده می‌شود. اهمیت

هرمنوتیک تا آنجاست که ارسطو در منطق خود یعنی کتاب ارغنون رساله ای را به نام باری ارمیاس گماشته است. صرف نظر از کاربرد مشتقات واژه هرمنوتیک، در میان متون باستانی، هرمنوتیک را به عنوان دانش تفسیر و تاویل بکار برده است. تفسیر تمثیلی هومردر قرن ششم پیش از میلاد و تفاسیر خاخام های یهودی از تلمود و میدراشیم نمونه ای از آنهاست. تا قبل از تدوین هرمنوتیک به عنوان دانش تفسیر و تاویل که در قرن هفدهم شکل گرفته توجه به تفسیر بویژه در متون کتاب مقدس در میان متفکران مسیحی رواج بسیار داشت و حتی فیلسوفانی مانند اگوستین به برخی از قواعد تفسیر اشاره کردند که زمینه پیدایش هرمنوتیک را فراهم آوردند و هرمنوتیک به عنوان یک شاخه علمی در قرن شانزدهم میلادی یعنی دوره رنسانس و اصلاح دینی تحقق پیدا کرد در سال ۱۶۴۵ شخصی بنام دان هاور کتابی بنام هرمنوتیک قدسی گماشت و در آن از روش تفسیر متون سخن به میان آورد. از نظر وی نه تنها الهیات بلکه هر یک از علوم بشری باید به دانش تفسیر مجهز شود. هرمنوتیک را عموماً به معنای

به این جهت است که از آن به فن یا دانش فهمدن تفسیر می‌شود (گلیپاگانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۹) حاصل آنکه علم هرمنوتیک و نظریه تاویل متون با توجه به ریشه‌های واژگانی آن یعنی در سه وجه گفتن، توضیح دادن و ترجمه کردن نمایان می‌گردد و در ترجمه انگلیسی از تمام وجوه آن به فعل تفسیر کردن تعبیر می‌گردد و یک معنی کلی که می‌توان فهمید این است که دانش هرمنوتیک فنی است که به بیان چگونگی فهمیدن آدمی مربوط می‌شود خواه متعلق یا قلمرو فهمیدن متون کتبی باشد یا مطلق فعالیت‌های فردی و ارادی و اختیاری انسان یا مطلق واقعیت هستی. پل ریکور در تعریف هرمنوتیک گفته است: «که نظریه عمل فهم متون است در جریان روابطش با تفسیر متون». واشونی کربای گفته است «هرمنوتیک علم یا نظریه تاویل است. (گلیپاگانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷)

معنای هرمنوتیک در اصطلاح: در دوران معاصر از واژه (Hermeneutics) استفاده می‌شود که وجود حرف (S) در پایان این لغت به معنای «قواعد» «نظریه» «علم» می‌باشد و این همان معنای اصطلاحی هرمنوتیک است قدیمی‌ترین مفهوم اصطلاحی آن به اصول و مبانی تفسیر کتاب مقدس اشاره دارد که از سوی اندیشمندان اروپایی در قرن هیجدهم و نوزدهم مشخصاً به عنوان روش مورد نیاز در کسب دانش و تحصیل علم مطرح است هرمنوتیک تمامی علوم را در برمی‌گیرد چرا که در حوزه تحقیقاتی آن هرمتنی اعم از اثار طبیعی یا انسانی می‌گنجد. (سالاری و همکاران، ۱۳۸۷) تاکنون تعاریف متفاوت و متضادی از هرمنوتیک بیان شده که ریشه در ریشه در فراز و نشیب‌های تاریخی دارداما با توجه به مقوله «فهم» تفسیر و تاویل را می‌توان وجه مشترک میان این تعاریف دانست. اگوستین

۳-هرمنوتیک فلسفی: این قسم هرمنوتیک، به تفکر در اصل پدیده فهم توجه دارد تا اصول وقواعد تفسیر فهم. به بیان دیگر به نحوه شکل گیری فهم و عوامل موثر در آن یا چگونگی رخداد مهم می پردازد. از نظرهای دیگر و گادامر باید به جای روش فهم به ماهیت فهم توجه کرد. هرمنوتیک فلسفی عموماً به همه معارف بشری توجه دارد، زیرا از مبانی فهم و شرایط وجودی آن ها سخن می گوید و راه هرمنوتیک فلسفی از هرمنوتیک عام و خاص جداست و اهدافی را دنبال می کند که مورد توجه

اصحاب گذشته هرمنوتیک نبوده است. (۰ نصری، ۱۳۸۹، ص ۹۹-۱۰۲) در حوزه هرمنوتیک ابتدا فلاسفه ای چون اشلاید ماخروود پدیدا کردند و در مباحث تفسیری با دقت نگرینستند و طریقی گشودند تا کسانی چون هاملیت، درویزن، بوئک، و بیخصوص دیلتای بتواند در حقیقت تفسیر و اصول و مبانی آن نظر کنند اشلایرماخر را بنیان گذار هرمنوتیک دانسته اند. (ریخته گران، ۱۳۷۸، ص ۲۶۳)

درباره پیدایش و تاریخ نام و اصطلاح هرمنوتیک گفته شده این نام نخستین بار در آلمان توسط دانهاور در باره روش تاویل متون دینی بکار رفته است و وی در سال ۱۶۴۵ کتابی بنام هرمنوتیک قدسیبا روش تاویل متون مقدس تالیف کرده پس از انتشار این کتاب اصطلاح هرمنوتیک در آلمان تداوم یافت در تاریخ پیدایش هرمنوتیک سه مطلب را باید از همدیگر تفکیک کرد ۱-هرمنوتیک در تاریخ بشری بطور عام ۲-تفکر دینی بطور خاص در مورد نخست نمی توان تاریخ مشخصی برای هرمنوتیک در نظر گرفت فقط می توان گفت که با تاریخ تفکر بشری همراه بوده است معنای آن

علم تفسیر و تاویل متن دانسته اند به بیان دیگر هرمنوتیک با فهم متن سروکار دارد و قلمرو آن نوشتار و گاه گفتار است. هر چند نوشتار و گفتار در قلمرو علم هرمنوتیک قرار دارد اما دایره این علم وسیع است و شامل تفسیر و تاویل کنش ها، رویدادها نشانه ها و حتی خواب و رویا می شود. اگر در ابتدا هرمنوتیک در حوزه الهیات و تفسیر کتب مقدس قرار داشت و سپس وارد حوزه ادبیات شد، امروزه رشته های مختلف علوم انسانی را در بر می گیرد به بیان دیگر فهم و تفسیر و تبیین مسائل مختلف علوم انسانی در حیطه این دانش قرار می گیرد گستردگی و وسعت هرمنوتیک باعث شده تا نتوان نظریه واحدی در مورد آن ارائه و یا آن را در یک فهرست کلی قرار دهد. در سیر تاریخی هرمنوتیک، برخی از محققان آن را به سه گرایش عمده تقسیم کرده اند:

هرمنوتیک خاص: در این قسم هرمنوتیک، به تفسیر متون مختلف توجه شده است و هر یک از شاخه های مختلف علوم مانند ادبیات، فلسفه، حقوق و کتب مقدس متنی تلقی شده که نیاز به تفسیر دارند و برای تفسیر هر یک از متون به قواعد خاصی نیاز هست. نخستین نویسندگان هرمنوتیک طرفدار هرمنوتیک خاص بودند هر چند معتقد بودند که برخی از اصول وقواعد برای تفسیر متون مختلف عام است اما هر علمی قواعد هرمنوتیک تفسیری خاص خود را دارد

۲-هرمنوتیک عام: در این قسم از هرمنوتیک، متون مختلف از روش واحد تفسیری پیروی می کنند. به بیان دیگر قواعد فهم و تفسیر عام هستند و بر هر متنی حاکم اند. اشلایرماخر، دیلتای و هرش از طرفداران این نوع هرمنوتیک هستند.

ما راه یافته با شد هرمنوتیک قبل از هادیگر به شدت معطوف
به تفسیر متن بود و بیشتر در پی نظریه پردازي

در باب کیفیت تفسیر آن و تصحیح روش درست فهم است
هرمنوتیک فلسفی هدفش پرداختن به فهم متن نیست اما به
آن توجه خاصی دارد از طرف دیگر علوم اسلامی در شاخه
های مختلف آن بویژه فقه و کلام و تفسیر ارتباط وسیعی با فهم
و تفسیر متن دارد اما بیشتر از همه در علم اصول مباحث آن
به قواعد فهم متن اختصاص دارد افزون بر علم اصول در مقد
مات تفسیر به صورت پراکنده مفسران به پاره ای از مباحث
مربوط به کیفیت فهم و تفسیر قرآن می پردازد که این مطالب
به نوبه خود هرمنوتیکی است. (انصاری، ۱۳۷۷، ص ۱۴۰-
۱۴۲) دانش هرمنوتیک در جهان غرب فراز و نشیب هایی را
پشت سر گذاشته است علم هرمنوتیک اصطلاحی است که در
محا فل کلامی فلسفی و ادبی هر روز بیش تر از روز پیش دیده
می شود جنبش هرمنوتیک نوین در علم کلام پروستانی
اروپایی به صورت جنبش مسلط درآمد و بر این ادعاست که
علم هرمنوتیک کانون محافل کلامی امروزی است هرمنوتیک
در دنیای غرب سه مرحله تاریخی را پشت سر گذاشته
است (هرمنوتیک ماقبل کلاسیک، هرمنوتیک
کلاسیک، هرمنوتیک معاصر) دوره نخست از نهضت اصلاحات
دینی تا قرن نوزدهم و ظهور شلایرماخر است دوره دوم از زمان
شلایرماخر تا هادیگر است و دوره سوم پس از هادیگر که به
هرمنوتیک فلسفی مشهور است تا زمان شلایرماخر محور
هرمنوتیک و رسالت آن تفسیر متن مقدس دینی بود که
شلایرماخر هرمنوتیک را بسط داد و قواعدی را پیشنهاد داد که
تفسیر متن اعم از دینی، ادبی و حقوقی را مد نظر قرار دهد
نکته قابل توجه در سیر تاریخی هرمنوتیک این است که به
تدریج از جازمیت و قطع گرایی در فهم و تفسیر متن و دیگر

پالمر درباره تاریخ هرمنوتیک گفته است با اینکه رواج لفظ
هرمنوتیک فقط از قرن هفدهم به بعد است

اما عمل تفسیر متن و نظریه تاویل متون دینی، ادبی، حقوقی به
عهد باستان برمی گردد. هرمنوتیک خاص عملاً با ظهور ایین
مسیحیت با این نام و نشان و اصطلاح شناخته شد در مقام
تمثیل می توان هرمنوتیک خاص را با دانش اصول فقه در
جهان اسلام مقایسه کرد هرمنوتیک خاص مربوط به کتاب
مقدس مسیحیت است و هرمنوتیک عام همه متون اعم از
دینی ادبی و حقوقی و... را مدنظر
دارد (گلپایگانی، ۱۳۸۲، ص ۱۲-۱۵) هرمنوتیک در غرب سه
دوره اصلی را پشت سر گذاشته است که عبارتند از کلاسیک
، رمانتیک، و هرمنوتیک فلسفی در یک جمع بندی می توان
گفته هرمنوتیک در آغاز به دنبال راه یافتن روشی برای وصول
فهم صحیح از متون دینی و کتاب مقدس بود و سپس تفسیر
مطلق متون را دنبال کرد از زمان دیلتای هدف اصلی
هرمنوتیک تدوین روشی برای بدست آوردن علوم انسا
نی بود در تمام این مراحل کشف مراد متکلم یا مولف مهم
تلقى می شد ولی از زمان هادیگر، گادامر، ریکور هرمنوتیک
فلسفی تا سیس شد و بدون توجه به صحت و سقم فهم در
صورت ارائه نگرش توصیفی و پدیدار شناختی نسبت به ماهیت
فهم و شرایط حصول برآمدند و نتیجه آنکه هرمنوتیک دو مرحله
روش شناختی و فلسفی را سپری کرده است
(خسروپناه، ۱۳۷۹، ص ۱۰۲) واژه هرمنوتیک همانند عناوین
نوظهوری چون فلسفه تحلیلی، زبان شناسی، نشانه شناسی در
شاخه های مختلف معارف اسلامی جایی ندارد و عالمان اسلامی
اعم از متکلمان، فلاسفه و اصولیون و مفسران بطور رسمی
تحت این عنوان بحثی نکرده اند اما این امکان وجود دارد که
پاره ای از مطالب مربوط به مباحث رایج اندر حوزه تفکر دینی

اثر هرمنوتیک در کتاب وسنت

قران کل واحدی است که از سمت خداوند نازل شده است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۳) و در هیچ زمینه یاساحتی اختلاف و تناقضی در آن راه ندارد (نساء/۸۲) ایت یکپارچگی و وحدت قرانی در اشکال وحدت ارتباطی، موضوعی و شبکه ای طرح می شود وحدت ارتباطی بدین معناست که قران به عنوان یک متن واحد ارتباطی ویژه دارد و پیام خاصی را منتقل می کند

و وظیفه ارتباطی خاصی دارد از سوی دیگر از آنجا که کل قران کلام الهی است تمام اجزای آن با هم در ارتباط اند و روابط درون متنی انهمانند شبکه ای متحد الاجزاء است که وحدتی نظام مند دارد و وحدت موضوعی بر این نکته تاکید دارد که متنها برخی ابیات بلکه کل آیات و سوره ها ارتباط خاصی دارند (قائمی نیا، ۱۳۸۰، ص ۱۵۵-۱۵۶) البته میان آیات یک سوره با

آیات دیگر قرآن دور بسیار پیچیده ای برقرار است که از ویژگی های منحصر بفرد قران ریم است. در تفسیر قران کریم هدف مفسر کشف معنای کلام خداوند توضیح و تبیین آن است

در واقع هر جا کلام الهی دارای نوعی ابهام و پیچیدگی باشد در آنجا تفسیر ضرورت پیدا می کند با این بیان لزوم تفسیر قران را می توان این چنین مطرح کرد

۱- قران کریم متنی پرمحتوا و عمیق است گستردگی مفاهیم و اندیشه های ژرف آن تفسیر آن را ضروری می سازد و برخی آیات قران دارای ابهامات و پیچیدگی خاصی است که جز با تفسیر و تاویل قابل فهم نیست.

۲- قران کریم کتاب هدایت و پیام آور برای همه عصرها و نسل هاست و الزام عملی به آن تنها راه نیل به کمال است و اگر آیات

حقایق به نسبی گرایی وعدم جازمیت حرکت کرد (گلپایگانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۲) در یک تقسیم بندی می توان هرمنوتیک را به دو دسته پیشا مدرن و مدرن تقسیم کرد هرمنوتیک مدرن با اندیشه های شلایرماخر المانی طلوع کرد و با هرمنوتیک فلسفی گادامر و هیدگر انسجام یافت و با هرمنوتیک ریکور به رشد و بالندگی خود رسید مشهور است که شلایرماخر پدر و بنیان گذار هرمنوتیک مدرن

لقب گرفته است و برای اولین بار مباحث فهم را در زمره مباحث هرمنوتیک قرار داد وی هرمنوتیک را از تفسیر متن به تفسیر تفسیر و به تعبیری از شناخت متن به شناخت فهم و تفسیر متحول ساخت (عابدی سرآسیا، ۱۳۹۵، ص ۹۱-۱۱۷) هرمنوتیک در دنیای اسلام اگرچه به شکل مستقل و در قالب گونه ای از دانش مطرح نبود اما در پاره ای از مسائل علوم قران و مبانی تفسیر همچون تفسیر، و تفاوت آن با تاویل، تفسیر به رای، روش ها و مناهج تفسیری نقلی، عقلی، رمزی و اجتهادی، مباحثی اصولی از جمله دلالت های تصویری، تصدیقی، کشف مراد متکلم و مولف، مسئله ظهور و... به موضوعاتی از علم هرمنوتیک پرداخته است ولی در متون معاصر غربی برخلاف تلقی رایج در ایران هرگاه هرمنوتیک بدون هیچ قرینه ای بکار رود در معنای رویکرد و روش شناختی خاص نیست بلکه دقیقا به معنای تفسیر است و می توان این دو واژه را کاملا جایگزین هم قرار داد (پارسائیان، ۱۳۹۶)، گرچه قدیمی ترین ققلمرو هرمنوتیک تفسیر کتاب مقدس بود اما طولی نکشید که اندیشمندان پی بردند که روش هایی که در تاویل و تفسیر این متون می تواند بکار رود به سهولت در مورد دیگر کتاب ها بکار می رود (پالمرد، ۱۳۷۲، ص ۸۵-۹۵)

۵- توجه به عقل: معنای برخی از آیات با توجه به اصول عقلی امکان پذیر است برای مثال آیه «ید الله فوق ایدیهم» (فتح/۱۰) بدون توجه به براهین عقلی امکان پذیر نیست، زیرا ظاهر آیه دلالت بر جسمانیت خداوند دارد، در حالی که استدلالهای عقلانی وجود خداوند را غیر مادی می داند. بنابراین کلمه ید در اینجا کنایه از قدرت خداست.

۶- نقش پیامبر و اهل بیت: دشواری برخی از آیات قرآن را می توان با توجه به روایات پیامبران و ائمه اطهار حل کرد قرآن کریم پیامبر را به عنوان مفسر و تبیین گر معرفی کرده است «انا انزلنا لیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهیم» (نحل/۴۴) قرآن را برتوفر رساندیم تا آنچه را که بر مردم نازل شده است بیان کنی.

۷- توجه به شان نزول: مطالعه شان نزول آیات گاه می تواند در جهت فهم آیه کمک بسیاری به مفسر کند (نصری، ۱۳۹۰، ص ۲۵۳-۲۵۶)

هدف از تفسیر بیان معانی آیات قرآن و کشف مقاصد و مدلول های آن است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱،

ص ۴) مفسران قرآن تنها در پی فهم و درک معنای متن این کتاب آسمانی هستند و متن قرآن را سخن خدا می دانند روش تفسیر مفسران علوم قرآنی و اندیش مندان از شیوه عقلایی پیروی می کنند یعنی معتقدند خداوند پیام و خواسته ای دارد که آن را بوسیله همین الفاظ و جملات بیان می کند و راه فهم آن همان شیوه عقلایی محاوره است آنچه مفسران و صاحب نظران علوم قرآنی پیشنهاد می کنند تا اندازه ای با هرمنوتیک کلاسیک و رمانتیک هم پوشی دارد یعنی هر مفسری اول باید

آن به صورت واضح و روشن تبیین نشود پنین مقصودی حاصل نمی شود (نصری، ۱۳۹۰، ص ۲۵۲)

فهم قرآن کریم قانونمند است برای تفسیر و فهم آن باید اصول و ضوابطی رعایت شود که در اینجا به مهم ترین آن اشاره می کنیم:

۱- آشنایی با زبان عربی: لغت شناسی، صرف و نحو، و اشتقاق از جمله شرایط اولیه درک آیات قرآنی است در لغت شناسی به شرح مفردات و الفاظ و معانی آنها پرداخته می شود در این زمینه باید به کاربرد الفاظ در عصر نزول و تغییراتی که برخی واژه ها مطابق با فرهنگ فرآنی نمونه پرداخت مثلا واژه هایی چون صلوات، زکات مطابق فرهنگ تغییراتی کرده اند و در مورد خاصی بکار می روند و هم چنین آشنایی با علم قرائت بی تاثیر نیست

۲- آشنایی با صنایع ادبی: مباحث مربوط به معانی و بیان باید مورد توجه قرار گیرد تا کاربردهای زبان بصورت حقیقت و مجاز، کنایه استعاره، تمثیل و... در آیات قرآنی شناسایی شود

۳- بهره گیری از علوم اسلامی: دانش هایی چون فقه، اصول، حدیث، کلام، فلسفه می تواند در فهم بسیاری از آیات به ما کمک کند. آیات مربوط به احکام با توجه به فقه و حدیث بهت قابل فهم خواهد بود

۴- سیاق و بافت زبانی کلام: سیاق از نظر اهل ادب عبارت است از طرز جمله بندی کلام به گونه ای که علاوه بر معانی هر یک از واژگان و معنای جمله، معنای دیگر عبارات بدست می آید در واقع سیاق کلام را می توان همان بافت زبانی کلام دانست

وتفسیر قران می باشند و برای هر کدام جایگاه ویژه ای برخوردارند. آنان معتقدند که از یک ایه می توان چند برداشت کرد و بین فهم های آنها تفکیک قائل شد که دو نوع فهم طولی و عرضی است آنچه که در هرمنوتیک اسلامی مطرح است فهم طولی است نه عرضی در فهم طولی اگر چند گونه فهم و برداشت صورت گیرد از نظر منطقی در طول یکدیگرند و هیچ ناسازگاری بین آنها نیست این مورد قبول همه مفسران است که آیات قران طوری نازل شده است که گاهی یک معنی، دو معنی، سه معنی، درست در آن واحد از آنها استنباط می شود (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۱) هدف تفسیر بیان معانی قران و کشف مقاصد و مدلول آن است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۴) مفسران قران تنها در پی فهم و درک معنای متن این کتاب اسمانی هستند و متن قران را سخن خدا می دانند هرمنوتیک کلاسیک از جهت هدف به تفسیر شباهت دارد زیرا همان گونه که در تفسیر قران تنها فهم مراد خداوند است هرمنوتیک کلاسیک هم برای راهنمایی کشیشان پرورستان در فهم کتاب مقدس تدوین شده است و تفاوت آنها در این است که دانشمندان کلاسیک به کمک قواعد هرمنوتیکی در پی فهم و مراد مقصود مولف هستند ولی در تفسیر هدف مطلوب برای مفسر دست یابی به فهمی یقینی و اطمینان او از مراد جدی خداست این حالت درباره نصوص قرانی رخ می دهد ولی درباره ظواهری چون دست یابی به مراد یقینی خداوند دشوار است و به انتخاب روش معتبر به ظن و گمان اکتفا می شود (زنجانی، ۱۳۷۳، ۳۳۲) با توجه به دلایل و شواهدی که بیش از این بیان شد قرآن کریم دارای مرتبه ها و سطح های مختلفی از مفاهیم و معارف است که برخی مراتب متعالی آن توان درک و فهم غیر راسخان در علم که همانا پیامبر اعظم می باشد بیرون است ولی مرتبه پایین

دانش عربی را بخوبی بیاموزد و از لحاظ دستوری بر تمام فنون تسلط پیدا کند انگاه قواعد اصول مانند روایت ها آیات و دیگر دلالت ها را پیشنهاد کند (شاهرودی، زنگویی، ۱۳۸۹) ساده ترین شکل دور هرمنوتیکی را می توان در حرکت بین واژه ها و جمله و متن دید اما پیچیدگی و گستردگی قواعد فهم راه را برای دیگر شکل های بیان می گشاید آیات قران به عنوان یک مرکب مطرح است و شناخت مرکب تنها پس از شناخت اجزای تشکیل دهنده آن امکان پذیر است به همین جهت نخستین وظیفه مفسر تحقیق از الفاظ و دسترسی به مفردات است (زرکشی، ۱۴۱۰، ص ۳۱۳) بنابراین می توان ادعا کرد در جای تفاسیر قران برای فهم و تبیین معانی بسیاری از آیات و سوره ها شاهد شکل گیری انواع دور هرمنوتیک هستیم و در روش تفسیر قران به قران رایج تر است مثال در ایه «بیدالله فوق ایدیهیم» ابتدا باید یک فهم اجمالی از واژه ید بدست بیاورد بعد آن را به کل عرضه کند و چون کل این معنا را بر نمی تابد دوباره به فهم واژه برمی گردد و فهم دیگری از کلمه ارائه می دهد و این رفت و برگشت ادامه پیدا می کند تا به فهم تفصیلی منجر شود (پارسیان، ۱۳۹۶) اینکه که تفسیر مستلزم پیش فرض است سخن درستی است همه مفسران برای تفسیر قران نیازمند آشنایی با زبان عربی، منطق و... می باشد که اینها را می توان پیش فرض نامید اما تفسیر قران نیازمند پیش فرضهایی است که بعضی از آن مربوط به خدا بعضی مربوط به متن و بعضی مربوط به انسان می باشد چنین پیش فرضهای را می توان پیش فرض ابزاری نامید که افق فکری مفسر را شکل می دهد و تعدیل و تبدیل آن جایز نیست و در نتیجه تفسیر باید با این پیش فرضها هماهنگ باشد اگر ناسازگاری باشد از لحاظ دینی اعتباری ندارد (ظاهری، یداللهی، فرحمرزه خانی، ۱۳۹۲)، با توجه به اینکه مفسران قرآنی قائل به تاویل

مددگرفت (تاجیک، ۱۳۸۹)، دیدگاه‌های گوناگونی درباره امکان فهم قرآن در میان قرآن پژوهان و مفسران وجود دارد :

۱- گروهی فهم قرآن را ویژه «من خوطب به» می دانند و غیر ایشان را از فهم آیات ناتوان می دانند این گروه برای اثبات باور خویش به روایاتی استناد می کنند که مضمون آن این ویژگی را می رساند (خویی، ۳۵۷، ۱۳۸۴-۳۵۸) به استناد ایه هفتم سوره آل عمران آیات قرآن به دو دسته محکم و متشابه تقسیم می شود آیات محکم برای تمام مسلمانان قابل فهم است اما آیات متشابه به چند دسته تقسیم می شوند که عبارتند از آیاتی که همه توانایی فهم آن را دارند و آیاتی که برای افراد خاص قابل فهمند و دیگر آیاتی که برای هیچ کس در خور فهم نیست (طباطبایی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۴۰)

به باور بسیاری از مفسران تمام آیات قرآن چه محکم چه متشابه همگی قابل فهم اند و هیچ ایه ای را نمی توان در قرآن یافت که قابل فهم نباشد علامه طباطبایی می نویسد که در بین آیات قرآن حتی یک ایه نامفهوم وجود ندارد بطوری که ذهن در شگفت است که آیات در نهایت بلاغت مفهوم است

شرط فصاحت سخن عاری بودن از هرگونه پیچیدگی است و قرآن شیواترین کلام عرب است تا جایی که حتی آیات متشابه مفهومی به غایت روشن دارد (طباطبایی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۷) ایت اله خویی از شمار قرآن پژوهانی است که فهم آیات را محدود به افراد خاصی می داند و در این باره می نویسد پیامبر بدون شک برای محاوره و گفتگوی معمولی به منظور تقسیم مقاصد خویش روش جدیدی ابداع نفرمود بلکه باقوم خود به همان شیوه مالوف سخن می گفت و قرآن را بدین منظور آورده که مردم معنای آن را بفهمد و در آن تدبر کنند سپس عمل نماید و از آنچه نهی کرده خوداری کند (خویی، ۱۳۸۳، ص ۳۵۱) این گروه

آن برای دیگران قابل فهم است و راه فهم آن بهره گیری از روش تفسیر قرآن به قرآن است روش شناسی تفسیر قرآن بحثی هرمنوتیکی است که چگونگی فهم مفاهیم و معانی کلام الهی را روشن می سازد و از آن نظر که موضوع این بحث کلام خداوند است می توان آن را هرمنوتیک قدسی دانست چنانکه در هرمنوتیک مطرح در جهان مسیحیت از هرمنوتیک مربوط به کتاب مقدس به هرمنوتیک قدسی تعبیر می شود در تاریخ تفسیر در علوم اسلامی سه شیوه تفسیر به چشم می خورد:

۱- تفسیر قرآن به استناد به روایت

۲- تفسیر قرآن با استناد به علوم و دانش بشری

۳- تفسیر قرآن به خود قرآن

روش اول به دلیل محدودیت روایات کافی نبوده و روش دوم بخودی خود حجیت شرعی ندارد و روش سوم به ضمیمه روش اول کامل ترین روش تفسیر قرآن است. روش یاد شده ریشه در فطرت ادمی دارد و از آیات قرآنی و روش معصومین برمی آید که در تفسیر و فهم قرآن باید بیشتر از هر چیز به خود قرآن مراجعه کرد و متشابهات قرآن را در سایه محکمت تفسیر کرد، عمومات را با توجه به مخصص ها و مطلقات را با توجه به مقیدات، منسوخ ها را با ملاحظه ناسخ ها و مجمل های قرآن را بامبین های آن تفسیر کرد و با بکارگیری این روش می توان به فهمی منجسم و یکپارچه از قرآن دست یافت. (گلپایگانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۰-۴۳) با توجه به نظر متفکران و مفسران و پس از بررسی مبانی هرمنوتیکی این امر ثابت می شود که علی رغم انتقادات وارد شده بر هرمنوتیک می توان از آن در فهم متون مقدسی چون قرآن و کتب حدیثی

غیراینصورت در مسیر فهم دچار مشکل خواهیم شد(مطهری، ۱۳۷۰، ج ۳،

ص ۱۳۲)

روش پیشینیان در تفسیر کتاب مقدس در مسیحیت و یهود:

از چندین روش استفاده میکردند ۱- تفسیر شرح اللفظی: در این روش معنای واژگانی و ساختار دستوری متن مورد نظر قرار می‌گیرد و برای هر یک از واژگان کتب مقدس پیامی اسمانی در آن نهفته است

۲- روش تفسیر اخلاقی: این تفسیر در پی آن بود که از درس های اخلاقی ترسیم شده در بخش های گوناگون کتاب مقدس اصول تفسیری را بیان کند

۳- تفسیر تمثیلی: این روش کتاب مقدس را دارای سطح دیگری از معنا می‌داند که در ورای اشخاص، رخدادها و اشیاء نهفته است. برای نمونه در این روش کشتی نوح را نماد کلیسای مسیحیت می‌دانند که در آغاز مورد نظر خدا بوده است

۴- تفسیر عرفانی: اینگونه از تفسیر کتاب مقدس می‌کوشد تا رخدادهای موجود در کتاب مقدس را به زندگی اخروی ربط دهد(معماری و همکاران، ۱۳۹۲)

هرمنوتیک فلسفی در الهیات مسیحی بازتاب زیادی داشته است رودلف بولتمان از متکلمین مسیحی با پذیرش هرمنوتیک فلسفی معتقد است تمام تفاسیر از جمله تفسیر کتاب مقدس

برای اثبات نظریه خود از عقل و نقل سود می‌بردند و از جمله قابل فهم نبودن قرآن را مغایر با صفاتی چون «هدی» «نور» «مبین» می‌دانند(طباطبایی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۳۵) وایه سوره نساء/ ۸۲ را نشان قابل فهم بودن تمام آیات قرآن می‌دانند(همان) ابتدای ایه تنزیل لفظ قرآن را به خدا نسبت داده است و آن را بهترین سخن نامیده و بهترین کتاب را به متشابهه بودن الفاظ متصف نموده است که تشابه مجاز به معنای پویایی متن در دوره های مختلف را موجب می‌شود البته به استناد آیات تشابهات برای انسان موحدی که به مقام خشیه رسیده فقط پراکندگی ظاهری ایجاد می‌کند و زمانی که به یاد خدا دل میسپارد معنی حقیقی و مراد واقعی خدا را در می‌یابد بنابراین اگر به عنوان زبان شناختی، جامعه شناسی، جغرافیا بی آیات متشابه توجه کنیم تشابه را تنها نقصان بلکه آن را متن مولودوزنده جاوید می‌نامیم(معما

ری، خامدی، ۱۳۹۲)، نکته حایز اهمیت دیگر در فهم قرآن این است که توجه به یک ایه قرآن بدون توجه به آیات دیگر قرآن جایز نیست زیرا بعضی از آیات قرآن دیگر را تفسیر می‌کند و این نکته موید این است که قرآن را کلی و بصورت مجموعه مطالعه کرد نه جزئی و به صورت چند ایه جداگانه که سبب گمراهی انسان می‌شود و تمام آیات قرآن به یکدیگر پیوسته است و کسی می‌تواند آیات قرآن را تفسیر کند که بنحوی بر همه آیات تسلط داشته باشد و آیات را از هم مجزا کند مقصود این است که آیات قرآن مجموعاً یک ساختمان به هم پیوسته را تشکیل می‌دهد این پیوستگی و جامعیت هم در ظاهر آیات وهم در بطن و معنای قرآن مشهود است در مقام فهم آیات باید به این جامعیت توجه داشت چون در

ص ۲۸۹) و اگر کسی بدون توجه به این آموزه ها قرآن را تفسیر کند به شدت نکوهش می شود و کارش مصداق تفسیر به رای است (سروش، ۱۳۷۹، ص ۴۱)
تاثیر مثبت هرمنوتک:

از آنجا که بسیاری از اصول و قواعد تفسیری در مطالعات اسلامی، نظریه های مربوط به متن هستند

در نتیجه می توان از نظریه های هرمنوتیکی به عنوان قواعدی کنترل کننده و مهار کننده در جریان فهم استفاده کرد (سعیدی، ۱۳۸۳، ص ۴۰) البته با نظر به احتمال تاثیرات منفی مبانی هرمنوتیکی در تفسیر متون از جمله قرآن کریم پس از تحلیل قواعد آن امکان از بین بردن تاثیرات منفی و پرنگ کردن تاثیرات مثبت بدین ترتیب فراهم می شود

۱- براساس تحلیل مولفه «پیش فرض های مفسر» این نتیجه بدست می آید که هر مفسر بواسطه پیش فرضها و برداشت های قبلی خود امکان تفسیر کلام الهی را دارد اما براساس اصول پذیرفته شده مسلمانان مجال استفاده از اصول مزبور تا آنجا مجاز است که موجب تحمیل نظریات شخصی مفسر بر معنای و رای آن کتاب آسمانی نشود

۲- در نتیجه نظریه «قرائت پذیری متن» امکان پرده داری و درک معانی والای آیات قرآن کریم برای آدمیان با سطوح مختلف آگاهی وهم چنین امکان برداشت های معانی مختلف از آن ها در یک زمان وجود دارد اما این ارتباطی به تعدد فهما نسبت به یک متن ندارد بلکه به علت ذوب بودن کلام الهی است

با پیش فرض های فلسفی و نظری معین می شود از نظر او علایق و انتظارات مفسر به پیوست دانسته های او بر ماهیت و جهت گیری تفسیر حکم می راند (واعظی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۵) دستیابی به روش صحیح در مطالعه کتاب آسمانی نیازمند به بررسی دقیق رویکردهای هرمنوتیکی دارد تا پس از تشخیص درستی و نادرستی مبانی آن در تفسیر متون از برداشت های ناصواب متون دینی جلوگیری کند بنابراین ذیل عناوین «پیش فرضهای مفسر» «قرائت پذیری متن» «اثار تاریخی بودن انسان» «عدم نیاز به نیت کشف مولف» مهم ترین زمینه بررسی متون دینی از منظر هرمنوتیکی تحلیل می شود (سالاری و همکاران، ۱۳۸۷).

تاثیر منفی هرمنوتیک: چنان که گفته شد هرمنوتیک فلسفی بر عناصری نظیر تاثیر پیش دانسته ها، ذهنیت مفسر و امثال آن اشاره می کند که همه مولفه های مزبور باعث شکل گیری این باور نهایی می شود که هر گونه فهمی حتی حتی فهم متون دینی صرفا داری جنبه شخصی و نسبی و غیر ناظر به واقعیت می باشد (سعیدی، ۱۳۸۳، ص ۳۸۹) به عنوان مثال باور نظرات هرمنوتیکی موجب طرح این شبهه در ذهن یکی از متفکران معاصر شده است که آیا با توجه به هرمنوتیک فلسفی می توان تفسیر معینی از یک متن را تنها تفسیر ممکن، درست و معتبر اغلام کرد ایشان معتقدند که هیچ متنی تفسیر منحصر بفردی ندارد پس از همه متون و تفسیرها و قرائت های مختلف می توان ارائه داد (نامور، ۱۳۸۶، ص ۱۸۹) همه مفسران قرآن تبحر دانش مثل فلسفه، کلام، نحو، صرف، و امثال آن را

برای ورود در تفسیر قرآن لازم می دانند (سیوطی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۲۰۹) (زرکشی، ۱۴۱۰، ق، ج ۲،

تفسیر آیات دیگر به عمق معنای مقصود خداوند متعال می
رسند(شاهرودی وهمکاران، ۱۳۹۱)

در قرآن نمی توان از انسجام خودپسنده متن سخن گفت بلکه
قرآن پیوندهایی با خارج از متن دارد که برای فهم صحیح یا
درک تفصیلی تر باید به آن توجه کرد از آنجاکه فهم متن زمانی
شکل می گیرد که تمامی منابع معرفتی آن با یکدیگر لحاظ
شوند و فهم و مراد و مقصود نهایی خداوند بع عنوان یک کل
منوط به فهم منابع واجزاء آن از جمله قرآن، سنت، عقل است
و در بیان اجزاء می توان به فهم متناسب تر و هماهنگ تر با
تمام مجموعه را بدست آوردیم بنابراین هیچ کس مجاز نیست
به صرف مراجعه تمام قرآن مدعی فهم مراد الهی شود
دیدگاههای مختلفی درباره تعامل و ارتباط متقابل قرآن و سنت
از جمله قرآن محوری، سنت محوری، دوگانه محوری، قرآن
محوری، سنت محوری، و کارکرد و محدوده عقل در فهم مراد
الهی مطرح شده است(نصیری، ۱۳۹۰، ص ۸۷) در یک رویکرد
جامع نخست باید تمام دورههای درون سنتی قرآن کریم را در
نظر داشت تا محتوای ارائه شده فهم شود

و سپس باید سراغ روایات برویم و آنها را در ارجاع متشابهات به
محکومات، فهم مخصص و مقید در کنار عموم و اطلاق، علاج
روایت های متعارض و نهیته عرضه بر قرآن در بابیم و در این
مسیر شان عقل در شکل دهی فهم را مورد توجه قرار
دهیم(آملی، ۱۳۸۶، ص ۷۲-۷۳) بنابراین فهم جامع و معتبر بدون
فحص کامل و منبع عقل و نقل حاصل نمی شود مگر نزد کسانی
که معتقد بع «حسبنا کتاب
الله» هستند(مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۴۷۳) از نظر شبستری تفسیر
صحیح کتاب و سنت این است که آنها را تاریخی بفهمیم اما

۳- با نقد نظریه «تاریخی بودن انسان» جاویدان بودن کلام
الهی حاصل می شود که علی رغم فاصله زمانی که با مخاطب
خود دارد تا قیامت پاسخگوی همه نیازهای هدایتی
بشرو مصون از هرگونه کمی و فزونی و حجت خدا بر بندگان
باقی می ماند.

۴- از نقداعتقاد «عدم نیاز به کشف نیاز مولف» این مطلب
حاصل می شود که امکان دست یابی به مقاصد نازل کننده
قرآن کریم وجود دارد چرا که هدف از نزول آن انتقال پیام الهی
به بندگان است

چنانکه می فرماید: «وانزلنا الیک الذکر لتبین الناس ما نزل
الیهم» (نحل/۴۴)

با تفحص در نظریه های بزرگترین مفسران قرآنی یعنی علامه
طباطبایی و تامل در شیوه عملی تفسیر اومی توان به این
نتیجه رسید که در روش تفسیر قرآن به قرآن این گوه نیست
که هر زمان مفسر با یک ایه مواجه شود هیچ معنای را از آن
در نیابد بلکه با مراجعه به هرایه و جمله فهمی ابتدایی از آن
بدست می آید سپس با مراجعه به آیات دیگر که با این ایه
در ارتباط اند فهمش کامل تر می شود هرچه این رفت
و برگشت میان ایه با دیگر آیات قرآن ادامه یابد به تدریج فهم
مفسر کامل تر می شود

و به حقیقت نزدیک تر می شود تا جایی که مراد خداوند متعال
از این ایه برای مفسر کشف شود. تفاوت بین راه حل
شلایرماخرو مفسران قرآن به قرآن در این است که مفسر قرآن
هیچ گاه از خود معنایی را برای قرآن حدس می زد و پیشگویی
نمی کند بلکه آنچه در نظر اول از آن فهمیده می شود به ذهن
انان رسوخ می کند ان گاه این رفت و برگشت میان ایه مورد

۱- واقعیات یک متن باید قابل ادراک باشد خواه بوسیله حواس، مانند درک خطوط، اشکال و ایماها و اشاره ها مانند ادراک تصورات ذهنی

۲- این واقعیت قابل ادراک باید به عنوان نشانه بکار رود یعنی معنادار باشد و به گونه ای باید انتخاب و تنظیم شود که مولف بتواند معنای مشخصی را به شنونده در یک بافت معین منتقل کند. با این بیان متن محدود به نوشتار نمی شود بلکه متن می تواند اظهار شود، نوشته شود، عمل یا اندیشه شود

از نظر دلتای یک اثر مکتوب و هر چه قابل فهم باشد از جمله پدیدارهای تاریخی بشمار می آید.

ریکور نیز مفهوم متن را گسترش می دهد و اموری چون نمادها، اسطوره های دینی و حتی روایاها را متن می خواند در یک متن چهار چیز را باید از همدیگر تفکیک کرد:

متن ۲- معنای متن ۳- فهم متن بوسیله مولف ۴- فهم متن بوسیله خواننده. افلاطون از نخستین متفکرانی است که به بحث از متن آن هم در قالب گفتار و نوشتار پرداخته است.

اصحاب هرمنوتیک و نظریه پردازان ادبی در بخشی از فهم متن سه نظریه را مطرح کرده اند

۱- متن محوری ۲- مولف محوری ۳- مفسر محوری

متن محوری: برخی از نظریه پردازان ادبی معتقدند که فقط باید به خود اثر پرداخت قصد مولف یا خوانش خواننده برای آنها ملاک فهم نیست.

مولف محوری: برخی از نظریه پردازان ادبی و اصحاب هرمنوتیکی از نظریه مولف محوری با قصد مولف دفاع کرده اند

فقیهان به این پیش فرض توجه نداشته و از متون دینی فهم غیرتاریخی داشته اند
اثر هرمنوتیک بر متن:

برای فهم یک متن باید این عناصر نگاهی را در نظر گرفت:

۱- زمان پیدایش ۲- مکان پیدایش ۳- اجزای پیش و پس آن ۴- زمان مراد پدید آورنده برای

اراده معانی ۵- مکان مراد پدیدآورنده برای اراده معانی ۶- ذهنیت پدیدآورنده ۷- ذهنیت معاصر ۸- ذهنیت مخاطب پدید آورنده ۹- ذهنیت سایر افراد دلیل نیازمندی به این عناصر نه گانه این است که فکر در برخورد با یک مجهول به مبادی تصویری و تصدیقی خود رجوع می کند و با توجه به پیش فرضهای خود به تفسیر آن می پردازد و هر چه پیش فرضهای خواننده متن با اراده گوینده فاصله بیشتری داشته باشد برداشت خواننده متن تمایز بیشتری با مانتظر گوینده می یابد (همانی، بی تا)

از نظر طرفداران هرمنوتیک متن تنها اثر مکتوب را شامل نمی شود بلکه هر سخن و اثر هنری مانند نقاشی، سینما و موسیقی را هم در برمی گیرد و اثری که برای مخاطب پیامی داشته می باشد در قلمرو متن قرار می گیرد و باید به تفسیر آن پرداخت یکی از پژوهشگران در تعریف متن چنین می گوید: متن مجموعه ای از واقعیات است که به عنوان نشانه بکار می رود و به وسیله یک مولف به قصد انتقال معانی خاص به یک شنونده در یک بافت معین انتخاب و تنظیم می شود از نظر این پژوهشگران متن دارای ویژگی های اساسی است:

در جستجوی گذشته و نه بازیابی و بازآفرینی آن، بلکه تطبیق متن با زمان حاضر می‌داند ولی برگفتگوی مفسر بامتن براین مسئله تأکید می‌کند که معنای متن پاسخی است که متن به پرسشهای مفسر می‌دهد و چون پرسشها متنوع و متکثرند پاسخهای متنوعی هم فراهم می‌آید از نظر گادامر همه این پاسخها معنای متن هستند اگر معنای متن عبارت است از پاسخی که متن به مفسر می‌دهد مسئله پایان ناپذیری عمل فهم روشن می‌شود زیرا می‌توان سوالهای بی‌پایانی از متن پرسید و پاسخهای بی‌پایانی از متن گرفت بنابراین به نظر گادامر چیزی به اسم فهم کامل و نهایی وجود ندارد

معنای واحد متن و تفسیرهای متکثر: بنظر مفسران و صاحب نظران علوم قرآنی و اصول فقه هر متن ربانی از جمله قرآن کریم از پشت سرهم چیده شدن مجموعه‌ای از جمله هاتشکیل شده که دارای معنای ظاهری و معنای واقعی یعنی همان نیت مولف است که درباره قرآن همان مراد خداوند است.

مراد از مدلول تصویری که به آن مفاد استعمالی گفته می‌شود معنایی است که در نگاه اول به یک سخن به توجه به معنای مفرد و قوانین دستوری و قواعد حاکم بر هیات و ترکیبات و قوانین متصل به کلام برای شنونده یا خواننده آگاه از معنای کلمات و قواعد دستوری حاصل می‌شود (حائری، بی تا، ص ۳۵۹)

مدلول تصدیقی عبارت است از معنایی که گوینده یا نویسنده آن را اراده کرده و لفظ را برای تفهیم آن بکار گرفته است براین اساس متن یک معنا بیشتر ندارد و آن هم مدلول تصدیقی است

تمام سعی مفسر رسیدن یادست کم نزدیک شدن به این معناست و باب بکارگیری هرچه سریع تر روش به آن نزدیک می‌شود تفاوت تفسیر و هرمنوتیک همین است که در

و در مطالعه یک متن باید به بررسی دیدگاه مولف پرداخت یعنی اینکه مراد مولف از بیان مطالب چه بوده است

مفسر محوری: سومین نظریه در فهم متن نظریه مفسر یا خواننده محوری است طرفداران این نظریه به خوانش خواننده اهمیت می‌دهند یعنی آنچه را که یک خواننده یا مفسر از متن دریابد باید همان را ملاک فهم تلقی کرد (نصری، ۱۳۹۰، ص ۷۰-۱۳۰) مجتهد شبستری بر اهمیت درک معنای متن در زمینه تاریخی پیدایش آن تأکید می‌کند و بر خلاف نحله‌های تفسیری خواننده محور معاصر که معنای متن در زمینه تاریخی را غیر قابل دسترسی یا بی اهمیت دانسته اند بر این مسئله تأکید می‌کند که برای فهم متن باید شرایط تاریخی، علایق و انتظارات مولف را از چدید آوردن متن بفهمیم. در این مرحله است که باید با تحقیق تاریخی درستی چندین مسئله از این قبیل را روشن کرد که کدامین علایق و انتظارات مولف رابه پدید آوردن متن سوق داده است و در کدامین وضعیت و شرایط تاریخی سخن گفته است و وضعیت و شرایط تاریخی مخاطبان وی چگونه بوده است (شبستری، ۱۳۷۵، ص ۲۴) هرمنوتیک پیش از فلسفه معتقد بود هرمتنی دارای معنایی واحد و مشخص، یعنی همان معنای مقصود مولف است و هرمنوتیک فن یاهنری است که به مفسر کمک می‌کند تا به معنای متن دست یابد البته تنها هرمنوتیک نئوکلاسیک از طرفداران این نظریه است. هرش می‌کوشد تا عینیت تفسیر را با احیای مفهوم قصدونیت مولف تضمین کند (کوزنر هوی، ۱۳۷۱، ص ۸۲-۸۴) ولی هرمنوتیک فلسفی بویژه هرمنوتیک گادامر، برای متن معنایی قائل نیست در این حوزه معنا ظهوری است که برای ما دست می‌دهد و همیشه به خوانندگان و مخاطبان وابسته است تا از آن چه بفهمند (احمدی، ۵۸۶، ۱۳۸۰-۵۸۹) بنابراین گادامر فهم را نه

گویند که این روش خاستگاه فطری و عقلانی دارد و فی الجمله مورد قبول همه مفسران اسلامی بوده است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۷)

تعامل اصول فقه و هرمنوتیک:

یکی از علومی که به هرمنوتیک نزدیک است اصول فقه است بخصوص در مبحث الفاظ که رابطه آن با هرمنوتیک کلاسیک و رمانتیک نقش بزرگی می تواند داشته باشد مبنای اصول فقه و هرمنوتیک کلاسیک در فهم متن عموم و خصوص من وجه است و هر دو اصول وقواعد تفسیر را در اختیار قرار می دهد اما در هرمنوتیک فلسفی چندان مباحث الفاظ با اهمیت نشان داده نمی شود چون که در هرمنوتیک فلسفی همه چیز زیر سایه ذهنیت و پیش ساختارها قرار دارد (خسروپناه و همکاران، ۱۳۹۲)

رویکرد شیعه در هرمنوتیک قرآن:

در این رویکرد که لاوسن به تقسیم ادوار گونه هرمنوتیک قرآنی شیعه می پردازد:

هرمنوتیک ولایت محور: گونه نخست از هرمنوتیک شیعی راهرمنوتیک مبتنی بر ولایت خوانده است که در دوره تاریخی از وفات پیامبر تا آغاز غیبت کبری در میان شیعه رایج بوده است بنیان اعتقادی این هرمنوتیک انتقال میراث وحی تنزیلی و تبیینی حضرت محمد به امامان شیعه و تحدیث آنان با فرشتگان است بر ایند ان تبدیل امامان به مفسران راستین وحی و قرآن ناطق در جامعه شیعی بود و در دوره پدیداری این گونه شکل گیری نزاع های داخلی جهان اسلام (دوره فتنه بیان کرده است که سه سده نخست هجری را پوشش می دهد در این دوره پرتنش بود که نقش امامان در تشیع راهنمای

هرمنوتیک چون پیش فرضها، علاقه ها، پیش دانسته ها مفسران متفاوت است تفسیرهای آنها هم متفاوت است

درباره تفسیر متن نیز پرسش نقش محوری دارد زیرا تفسیر و فهم پاسخ پرسشهایی است که مفسران متن دارند و تنها در صورتی می توانیم معنای متن را بفهمیم که پرسشی را فهمیده باشیم

که متن پاسخ آن است نکته مهم این است که پرسش همواره با دانسته های پیشین است بطور کلی دانش فرزند پرسش است و بی شک برای فهم قرآن باید پرسشگری کرد و پرسش های مورد نیاز برخاسته از علاقه ها، انتظارات و پیش دانسته های مفسر است (شاهرودی و همکاران، ۱۳۹۱) برای فهم مراد مولف نخستین و بهترین روش آن است که از اجزاء مختلف آن کمک گرفته شود و از شیوه جزئی نگری و گزینشی پرهیز گردد بویژه بخش هایی که به یک موضوع ناظر باشد مورد تفسیر و مطالعه قرار گیرند این شیوه در مورد کلام خداوند و انسان های معصوم جایگاه ویژه ای دارد و خاستگاه فطری و عقلانی دارد نخستین بار علامه طباطبایی به

این روش توجه کرد که مورد توجه مکتب کلاسیک و نو کلاسیک در هرمنوتیک غربی بوده است

برخی نویسندگان معاصر و مسلمان معنای مرکزی و واقعی متن را که با قصد و نیت مولف و بر این معین می گردد انکار کرده و بر این باورند که متن بخودی خود ابهام معنایی دارد و معنای متن تابع نسبی است که متن با اندوخته های ذهنی و سرمایه علمی مفسر پیدا میکند و با تکثرو تحولی که در اندوخته ها و سرمایه علمی مفسر پدید می آید معنای متن متحول می شود این روش را اصطلاحاً تفسیر متن به متن

دانست تا خود آن متن آن امری که طی رشد معنوی فرد در
خلال سطوح هرمنوتیکی رخ داد

از این رو به تعبیر ها نری کرین نوعی ناشنوایی هرمنوتیکی
بین متن و مفسر برقرار بود. که به شنیده شدن اهنگ مواجهه
میان قرآن و خواننده اشاره دارد این هرمنوتیک متأثر از انیسه
های عرفانی سه شخصیت نامدار این دوره بوده است
سهروردی با نگرش اسرار آمیز به متون و متأثر از آثار مثل
افلاطونی، ابن عربی، طرح اندیشه بطن گرایی در متن
مقدس و علاءالدوله سمنانی با طرح خوانش قرآن بر اساس هفت
پیامبر وجود آدمی از نگاه لاوسن عالمان اسلامی این دوره بویزه
ابن میثم بحرانی، ابن ابی جمهور احسانی، وسید حیدر املی در
آثار ابن عربی حقیقت تشیع را بسط دادند. اما همین اصطلاح
کم کم معنای متفاوتی پیدا کرد و در این زبان به باطن خواننده
متن اشاره داشت نه باطن متن به این ترتیب تامل الهیاتی
و فلسفی شیعه در کنار تصوف به یکی از سنت های بزرگ
تبدیل شد که چنین هرمنوتیکی در بستر خود به رشد خود
ادامه داد. علاءالدوله سمنانی صوفی گرچه شیعی نبود اما
هرمنوتیک وی تاثیر زیادی بر مفسران شیعی گذاشت (لاوسن)
۴- هرمنوتیک فلسفی-ولایی صفوی: در دوره صفویه باتدوین
جوامع سترگ حدیثی شیعه و شیوع فلسفه و حکمت میان
عالمان امامیه بسیاری از روش های هرمنوتیکی ادوار پیشین
بازیابی و تثبیت شد از یک سو هرمنوتیک ولایت محور
پیشابویه ای احیا شد از سوی دیگر با کاربست قواعدی فلسفی
بسیاری از آموزه های فراعقلی قرآن و حدیث شیعی فهم پذیر
شد در این میان ملاصدرا با نگرش تفسیری و برخی از سوره
های قرآنی و شرح اصول کافی نقش جدی در ترکیب
هرمنوتیک فلسفی متأخر با هرمنوتیک ولایی دوره نخست

ربانی تعریف و سخنای وی بطور مطلق در تبیین متن قرآن
مورد قبول واقع شد. پیش فرضهای مهم دوره نخست چنین
است: ۱- کامل نبودن قرآن موجود بدلیل دستبرد در مصحف
عثمانی ۲- ناپدید شدن طومارهای مقدس امامان از جمله
مصحف فاطمه (س) ۳- حفاظت از قرآن واقعی توسط امامان
و عرضه آن در زمان بازگشت امام غایب ۴- آموزه های بنیادی
گرایی شیعی و تثبیت ولایت علی به عنوان اولین امام و ظهور
امام غایب برای گسترش عدالت در جهان

۲- هرمنوتیک مصالحه: از سده چهارم تا هفتم هجری نوعی
سازش میان عالمان امامیه و اهل سنت شکل گرفت که بدنبال
آن محوریت امام در تفسیر قرآن به عنوان بنیادی هرمنوتیکی
ولایت محور دچار تغییر شد و از آموزه های بنیادگرانه آن چون
کاستی قرآن، پرداختن به موضوعات جدلی شیعه با اهل
سنت، گرایش به مسائل غلوآمیز و حلول اعراض کردند و با تقل
حدیث از منابع

و جذب و بسط اندیشه های معتزلی حمایت شد لاوس از این
اعتدال گرایی و سازش عالمان امامیه با اهل سنت به عنوان
هرمنوتیک مصالحه یاد کرده و آن را تحولی مهم در هرمنوتیک
شیعی خواندند که عالمانی مثل شریف رضی و برادرش سید
مرتضی و ابوجعفر طوسی افراط گرایی مفسران دوره شیعی را
تعدیل کردند که نتیجه کلی این تغییرات هرمنوتیکی این بود
که مفسران شیعه در مسائل مربوط به تفسیر قرآن به نوعی
برامام تقدم یافتند

۳- هرمنوتیک عرفانی-باطنی یا ناشنوایی هرمنوتیکی: از سده
هفتم تا دهم اصول جدید هرمنوتیکی در تشیع پدید آمد که
کعنای قرآن را بیشتر در مخاطب و خواننده آن متبلور می

ریشه در سیره معصومین دارد که برانند که در تفسیر قرآن باید بیش از هر چیز به خود قرآن مراجعه کرد و متشابهات را در سایه محکمت تفسیر کرد. عموماً را با توجه به مخصص و مطلقات را با توجه به مقیدات، منسو را با ملاحظه ناسخ و مجمل‌ها را با مبین‌ها تفسیر کرد تا به روش صحیحی از تفسیر قرآن دست یافت. واز نظر هرمنوتیک فلسفی تفسیر قرآن نیاز به «پیش فرض‌های مفسر» «قرائت‌پذیری متن» «تاریخی بودن انسان» عدم نیاز به کشف مولف دارد اما از نظر مفسران قرآنی باید به آیات دیگر قرآن که با آن ایه در ارتباط است رجوع کرد تا به حقیقت نزدیک شد و هیچ‌گاه معنایی را برای قرآن حدس یا پیشگویی نکنیم بلکه با رفت و آمد بین آیات با آیات دیگر به عمق معنایی خداوند رسید و از نظر شبستری روش صحیح تفسیر کتاب و سنت در این است که آن را تاریخی بفهمیم و در زمینه تفسیر متن روش اصحاب هرمنوتیک این است که به سه روش متن محوری، مولف محوری، مفسر محوری عمل کرده اند اما بهترین روش در تفسیر متن همان روش تفسیر متن به متن است که هم خاستگاه فطری و عقلانی دارد و هم مورد قبول همه مفسران است. و کاربرد هرمنوتیک در دنیای اسلام بصورت یک رویکرد شناختی یا روش‌شناسی خاص است بطوری که در پاره‌ای از مباحث اصولی مثل الفاظ، دلالت‌ها بکار می‌رود اما در متون معاصر غربی دقیقاً به معنای تفسیر بدون نیاز به هیچ‌گونه قرینه‌ای بکار می‌رود.

داشت بعد از ملاصدرا شاگرد وی فیض کاشانی با نگارش کلمات مکتونه یکی از بهترین تبیین‌های فلسفی از عالم مثال را ارائه داد و در مقدمه تفسیر قرآن خود با عنوان «الصادق فی تفسیر کلام الله الوافی» اصول هرمنوتیکی و روش شناختی خود را تبیین کرد. نتایج این هرمنوتیک جدید بازگشت آموزه‌های دوره نخست با توجیهات فلسفی به اندیشه شیعی بود. از اینرو شاهد طرح دوباره آموزه‌هایی چون تمرکز گرایی بر شخصیت امام، تحریف قرآن، خوانش‌های چندگانه در این دوره هستیم در این میان آثار حدیثی و تفسیری ملا محسن کاشانی تأثیر زیادی بر عالمان امامیه داشته است اگرچه مخالفانی هم داشت (علی زاده، ۱۳۹۵).

نتیجه:

با توجه به آنچه گفته شده می‌توان اینچنین نتیجه‌گیری کرد که یکی از اهداف هرمنوتیک توجه به آیات قرآن کریم و امکان فهم کلام الهی است بنابراین هر مفسری برای رسیدن به این مقصد الهی به تفسیر روی می‌آورد و هدف از لزوم تفسیر به خاطر معنای عمیق و پرمحتوای قرآن کریم است و دیگری اینکه پیام قرآن برای همه نسل‌های بشری است و الزام عملی به آن جز با تفسیر آن ممکن نیست و در این روش از شیوه عقلایی پیروی می‌کنند و ساده‌ترین شکل هرمنوتیکی برای این مرکب شناخت اجزاء آن است. که بهترین روش تفسیر قرآن به قرآن است که همه مفسران برای تفسیر نیاز به یک پیش‌فرضهایی دارند مثل آشنایی با زبان منطق، عربی و... دارند شیوه هرمنوتیکی در تفسیر به سه گونه است. ۱- تفسیر قرآن به استناد روایت ۲- تفسیر قرآن به وسیله دانش بشری ۳- تفسیر قرآن به قرآن که بهترین روش همان روش قرآن به قرآن است که هم ریشه در فطرت آدمی و هم

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله عزیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

۱۲. سالاری صدیقه، الهه تاجیک (۱۳۸۹) تاثیر هرمنوتیک در فهم قرآن، مجله فروغ وحدت، سال ششم، شماره ۲۱.
۱۳. سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۹) قبض و بسط تئوریک شریعت، تهران: موسسه فرهنگی صراط
۱۴. سعیدی روشن، محمد باقر (۱۳۸۳) تحلیل زبان قرآن و روش فهم آن، قم: پژوهشکده حوزه
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن ابی بکر (۱۴۰۸) التحجیر فی علم تفسیر، بیروت: دارالکتب العلمیه
۱۶. مرتضی حسینی شاهرودی، علی زنگوبی، (۱۳۹۱) مقایسه مهم ترین دستاورد ها در هرمنوتیک با سنت اسلامی، مجله علمی پژوهشی علوم قرآن حدیث
۱۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۴) المیزان فی تفسیر قرآن، تهران دارالکتب الاسلامیه
۱۸. حسین رضا طاهری، محمدجواد یداللهی، نرگس حمزه خانی (۱۳۹۲) هرمنوتیک از منظر نهج البلاغه، مجله علمی پژوهشی، مقاله ۵، دوره ۱، شماره ۲
۱۹. علی راد، (۱۳۹۵) خاورشناسان و تطورات هرمنوتیکی شیعه، مقاله پژوهشی، پژوهشنامه تفسیر کلامی قرآن
۲۰. علیرضا آزاد، تکتم ازاده، فاطمه لعل روشن (۱۳۹۳) مبانی مشترک اصول فقه هرمنوتیک کلاسیک، محل انتشار فصلنامه فقه و اصول، دوره ۴۸، شماره ۲
۲۱. علیرضا عابدی سراسیا (۱۳۹۵) هرمنوتیک مدرن و نظریه تفسیری شهید مطهری، محل انتشار: فصلنامه قرآن وحدیث، دوره ۴۸
۲۲. قائمی نیا، علیرضا، (۱۳۸۰) متن از نگاه متن، قم: انجمن اسلامی
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲) الکافی، تهران: الاسلامیه
۲۴. کوزنزهوی، دیوید، (۱۳۷۱) حلقه انتقادی، تهران: انتشارات گیل
۲۵. گلپایگانی، علی، (۱۳۸۲) هرمنوتیک منطق فهم دین، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه
۲۶. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۵) هرمنوتیک کتاب و سنت، تهران: طرح نو
۲۷. مجلسی، محمد باقر (بی تا) (بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفا

- قرآن کریم
۱. احمدی، بابک، (۱۳۸۰) ساختار و تاویل متن، تهران: نشر مرکز
۲. املی، عبدالله (۱۳۹۱) تفسیر قرآن کریم، قم: نشر الاسراء
۳. انصاری، مرتضی (۱۳۷۴) فرائد الاصول، مجمع الفکر اسلامی
۴. پارسائیان، محمد (۱۳۹۶) هرمنوتیک و نقش آن در شبکه های ایات قرآن، مقاله علمی پژوهشی، مقاله ۱۱، شماره ۲۱
- ۵- پالمرد، ریچارد، (۱۳۷۲) علم هرمنوتیک، تهران: نشر هرمس
- ۶- حائری، عبدالکریم، (دارالوقاید) قم: کانتشارات مهر
۷. عبدالحسین خسروپناه، مهدی نجفی مقدم، (۱۳۹۵) مساله اصولی الفاظ و ارتباط آن با هرمنوتیک، مجله علمی پژوهشی کلام اسلامی
۸. خوبی، ابوالقاسم (۱۳۸۳) البیان، قم: دارالقلین
۹. ریخته گران، محمد رضا، (۱۳۸۷) هرمنوتیک، نشر کنگره
۱۰. زرکشی، بدرالدین، (۱۴۱۰ ق) البرهان فی العلوم القران، بیروت دارالمعرفه
۱۱. زنجانی، عباس علی (۱۳۷۳) مبانی و روش تفسیر قرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد

۲۸. مسعودی، جهانگیر (۱۳۸۵) هرمنوتیک به مثابه روش تحقیق در علوم دینی، قم: پژوهش‌های فلسفی کلامی
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴) درسهایی از قرآن، قم: انتشارات صدرا
۳۰. داوود معماری، فاطمه خامداه (۱۳۹۲) مفسر قرآن و فهم روشنمندان، متن، مقاله علمی ترویجی فصلنامه سراج منیر
۳۱. نامور، اکرم (۱۳۸۶) هرمنوتیک فلسفی وقرائت پذیری متن، مجله الهیات و حقوق، شماره ۲۴
۳۲. نصری، عبدالله، (۱۳۹۰) راز متن، تهران: انتشارات سروش
۳۳. واعظی، احمد، (۱۳۸۲) درآمدی بر هرمنوتیک، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
۳۴. یوزف بلاشیر، (۱۳۸۹) هرمنوتیک معاصر، آبادان: پرسش

